بسم الله الرحمن الرحیم

**فهرست مطالب**

[علت و حکمت 2](#_Toc436609571)

[تاریخچه‌ی بحث مفهوم علت 2](#_Toc436609572)

[مرور گذشته 2](#_Toc436609573)

[مقام اول: انواع علل 2](#_Toc436609574)

[7.فایده 3](#_Toc436609575)

[تفاوت فایده و غرض 3](#_Toc436609576)

[فایده از دید جامعه‌شناسان 3](#_Toc436609577)

[مبحثی پیرامون مقایسه فایده و علت 3](#_Toc436609578)

[جمع‌بندی 4](#_Toc436609579)

[نکته: 4](#_Toc436609580)

[8.علت‌های ثبوتی 5](#_Toc436609581)

# علت و حکمت

# تاریخچه‌ی بحث مفهوم علت

بحث ما در مورد مفهوم علت و حکمت بود. این مسئله در بین متأخرین طرح شده است. این مسئله در عمدة الاصول و تحریرات الاصول آیت‌الله مصطفی خمینی (ره)، همچنین در مبانی الاحکام آیت‌الله حائری آمده است. دیگران مستقلاً مباحثی را نیاورده بودند. البته مرحوم داماد ضمن مباحثشان به این بحث پرداخته باشند.

# مرور گذشته

همان‌طور که بیان کردیم، در این موضوع، چند مقام بحث وجود دارد.

## مقام اول: انواع علل

مقام اول این بود که انواع علل را برشماریم. مقصود ما از علت، همان مفهوم عام است. مفهومی که شیخ صدوق (ره) در مورد آن، کتاب علل الشرایع را نوشت، که هم علت‌های خاص را در برمی‌گیرد و هم انواع حکمت‌ها را شامل می‌شود و این مفهوم عام انواعی دارد.

اقسام علت را بیان کردیم:

1.تامه منحصره:‌این قسم علت به معنای خاص است. علت به وجود موردی و استیعابی آن، ‌علت است.

2.علت تامه منحصره ولی به وجود شأنی.

3.علت تامه غیر منحصره

4.جزء العلة که جزء دیگرش معلل است.

5.جزء‌العلة که جزء دیگر آن در کلام منفصل دیگری ذکر شده است.

6.جزء العلة که جزء دیگر آن معلوم نیست. این مورد بسیار زیاد است.

همان‌طور که بیان کردیم، جزء العله‌ها می‌توانند انحصاری و غیر انحصاری باشند و هر کدام از این اقسام جزء العلة، بر دو قسم انحصاری و غیر انحصاری می‌شود.

اکنون در این جلسه به اقسام دیگر علل می‌پردازیم.

## 7.فایده

قسم دیگر علت، فایده است. این‌ها فایده هستند و حتی تعبیر علت را نمی‌شود بر آن‌ها مترتب کنیم. فایده یعنی آثار مترتب بر فعل، که دخالت در جعل حکم نداشتند. مثالی که آمده است:‌ «صوموا تصحوا» است؛ روزه بگیرید برای اینکه سالم باشید. سلامت، دخالت در وجوب صوم نداشته است ولی این ثمره در آن است.

### تفاوت فایده و غرض

 غرض و فایده با هم متفاوت است. غرض همان فایده‌ای است که در علیت غایت پیدا کرده است و در فعل اثر گذاشته است. اما فایده یعنی اثری که بر فعل مترتب می‌شود ولی نقش در انجام فعل ندارد.

### فایده از دید جامعه‌شناسان

جامعه‌شناسان این‌چنین تعبیر می‌کنند: فایده یعنی نتیجه‌ی ناخواسته فعل اختیاری. بعضی فعل‌ها را اختیاراً انجام می‌دهیم اما نتایجی ناخواسته‌ای بر این فعل مترتب می‌شود.

### مبحثی پیرامون مقایسه فایده و علت

گاهی فاعل غافل است و گاهی غافل بر اثر فعل نیست. گاهی اثرات، در اراده نقش دارند و در فعل اثر می‌گذارد. گاهی نیز این اثر و فایده را شخص فاعل،‌ توجه ندارد ولی با انجام فعل، مترتب می‌شود. این‌ها فواید است. این نیز قسمی از حکمت است.

در حج نیز مواردی این‌چنینی وجود دارد. وقتی‌که به حج می‌روید، رفت‌وآمدها موجب تجارت می‌شود. این فایده حج است. قطعاً شارع برای تجارت، حج را قرار نداده است. این فایده، نه تمام علت است، نه منحصره است و نه اینکه جزء العلة هم نیست.

البته تفکیک جزء العلة مؤثره و فایده‌ای که مؤثر نیست، ساده نیست. مقام اثبات این امر، دشوار است، ولی هر دو متصور است.

بعضی ممکن است بگویند، همه چیزهایی که برای احکام دنیایی است، از قبیل فایده هستند و غرض نیستند. مثلاً کاربردهایی که مفاهیم دینی در مشاوره و تصحیح روابط اجتماعی دارد و یک کارکردهای روان‌شناختی دارد. آیا این استفاده‌ها مقصود شارع از جعل بوده است یا خیر؟ حتی به نحو جزءالعلة دلیل جعل بوده است؟ ممکن است جواب بله یا خیر باشد.

#### جمع‌بندی

اثراتی که مترتب بر یک فعل است به چند قسم است:

1.ناخواسته است که همان فایده است.

2.اگر خواسته و خودآگاه است بر چند قسم است:

الف) تام است:‌انحصاری یا غیر انحصاری است. سؤال می‌شود آیا به وجود استیعابی نقش دارد یا اینکه به وجود انشایی و غالبی.

ب) جزء است: سؤال می‌شود که چه نوع جزئیتی است.

#### نکته:

ما می‌توانستیم اقسام دیگری به جزء العله بودم بیفزایم. مثلاً جزء اصلی است یا فرعی است. نقش در غرض دارد، ولی نقش پایین یا بالایی دارد. این اقسام را بیان نکردیم.

فواید، یعنی لا دورة لهذه الفائدة فی جعل الشارع و تشریعه و لیست باغراض. اما برای مکلفی که می‌خواهد امتثال بکند، این‌ فواید، خیلی اثر داشته باشد. ممکن است برای وی، غرض مهمی باشد. مقصود ما از غرض و فایده، ‌همانی است که در جعل و تشریع است. ممکن است یک آدم لاابالی باشد، ولی بگوید من کاری به غرض شارع ندارم، ولی همین فایده دفن کردن میت، برای من کافی است تا میت را دفن کنم یا مثلاً شخصی شرب خمر نمی‌کند، ‌برای اینکه کبدش خراب نشود و شارع نیز اصلاً کاری به این مطلب نداشته است. در نتیجه فاصله بین جعل و امتثال ممکن است خیلی باشد. این مطلب نشان می‌دهد، که فوایدی که شارع در نظر دارد، جنبه‌ی تربیتی است و ارزشی در حکم ندارد.

## 8.علت‌های ثبوتی

یک سلسله نتایجی که برای احکام بیان می‌شود، برای جعل و تشریعات بیان می‌شود، نتایج اخروی احکام است. مثلاً اگر فلان کار را انجام دهید، فشار قبر خواهید دید. این‌ها علیت دارد، یعنی شارع برای آن حکم را وضع کرده است. ولی ما این علیت را به معنای اصولی نمی‌گیریم و می‌گوییم این‌ها علت‌های ثبوتی حکم است.

این علل، علل حقیقی و ماورای عالم است که واقعاً اثرگذار هستند و شاید علت تامه‌ی انحصاریه است اما با تمام این مطالب، نمی‌توانیم این نتایج اخروی را به معنای علت اصولی بگیریم. علتی که بتواند نقش مخصص و معمم داشته باشد زیرا، راهی برای وجود دیدن نتایج اخروی در این دنیا نیست در نتیجه این را جزء حکمت می‌شماریم. همان‌طور که گفتیم شاید این علت، تامه و منحصره نیز باشد. اما در مقام اثبات، علیتی ندارد و حکمت حکم است که بیان شده است.